



نشانه‌شناسی فرهنگی نقوش سنگ قبور: با تأکید بر نقشی شانه در

تخت فولاد اصفهان

جبار رحمانی*، هاجر قربانی**

(تاریخ دریافت مقاله اردیبهشت ۱۳۹۳/۹/۲۵، تاریخ پذیرش ۱۳۹۳/۱۰/۲۹)

چکیده

یکی از آیین‌های مرتبط با مرگ در فرهنگ اسلامی - شیعی، خاکسپاری مردگان و نشانه‌گذاری بر روی سنگ قبور است. نشانه‌های تصویری اعم از حرفه‌ای، تزئینی و مذهبی، بیانگر باورها و ارزش‌های فرد متوفی و جامعه پیرامون او هستند. شانه از نشانه‌هایی است که در کنار دیگر نشانه‌های مذهبی بر روی بعضی از سنگ قبرهای اسلامی - شیعی مشاهده می‌شود. در این پژوهش، مطالعه این نشانه به جهت فهم دلالت‌های فرهنگی و مذهبی شانه با توجه به رویکرد نشانه‌شناختی با تأکید بر قبرستان تخت فولاد اصفهان صورت پذیرفته است.

قرارگیری نشانه شانه در کنار دیگر نشانه‌های مذهبی با توجه به روایت‌ها و آداب و سنن فرهنگی، یک نشانه مذهبی متعلق به مسلمانان معرفی شده، و با توجه به نظام اعتقادی مسلط بر جامعه، بیانگر مدلولی اعتقادی برای مردان است. شانه در کنار مهر، و تسبیح، و گاه سجاده، بیانگر شخصیت مذهبی متوفی بوده است. همچنین نصب دو برآمدگی و استفاده از شانه‌های دوسر بر روی برخی قبور، بیانگر مدلولی زنانه است. همچنین با توجه به ساختارهای فرهنگی، می‌توان دید که تقابل‌های دوگانه مهمی مانند مردانه / زنانه، بیرونی / درونی، عمومی / خصوصی، مشاغل و حوزه‌های اجتماعی / خانه داری، و امر فرهنگی (مذهبی) / طبیعت در شکل دادن به نظام نشانه‌های تصویری سنگ قبور مؤثراند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مذهب، نشانه‌شناسی، شانه، سوسور، تخت فولاد، سنگ قبر.

* استادیار انسان‌شناسی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (نویسنده مسئول) /

J_rahmani59@yahoo.com

** کارشناسی هنر اسلامی، دانشکده هنر ادیان و تمدن‌ها، دانشگاه هنر اصفهان /

Hajar.ghorbani64@gmail.com

مقدمه

مواجهه با مرگ، چه مرگِ خود، یا مرگِ دیگران، منجر به آداب اجتماعی مذهبی شده، و محرکی برای استفاده از نشانه‌ها و متون مرتبط با یادمان مرگ است. سنگِ گورها، از نمونه یادمان‌هایی است که برای انسان‌های خفته در خاک ساخته می‌شوند. از گذشته تا کنون، بر روی سنگِ گور انسان‌ها نشانه‌گذاری می‌شود. این نشانه‌ها گاه خطی، و گاه تصویری هستند، و در بعضی مواقع ما را تا فضای شخصی انسان‌هایی که مرده‌اند، همراهی می‌کنند.

در نقاط مختلف دنیا و در تمامی ادیان، مراسم و آیین‌های متفاوتی در زمینه خاکسپاری، تدفین، و غیره وجود دارد که یاد مردگان را زنده نگه می‌دارد. سنگ قبر یکی از یادگارهایی است که برای انسان‌های خفته در خاک ساخته می‌شود، و در بیشتر نقاط دنیا بر روی آنها نشانه‌گذاری می‌شود، تا راهی برای آشنایی با اندیشه و فرهنگ‌های شخص متوفی باشد. سنگ قبر یا همان سنگ گور، سنگی است که برای یادمان انسان‌های خفته در خاک استفاده می‌شود. دهخدا این واژه را «سنگ که بر زبرِ قبر نهند و گاه بر آن نام صاحب قبر و تاریخ وفات بر آن نقر کنند» تعریف کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷). با مروری بر متون اسلامی و دینی نظیر سنن النبی، کافی شیخ صدوق، مفاتیح الحیاه و ... متوجه می‌شویم که در خصوص سنگ قبر، و کیفیت و چگونگی آن، عناوین و مطالب چندانی وجود ندارد. هم چنین در متون مربوط به تشیع (رساله‌ها) آدابی در باب تزئین روی قبور و یا نشانه‌گذاری و غیره بیان نشده و تنها پوشاندن قبر توسط آجر، و مانند آنها که از ورود جانوران به داخل قبر جلوگیری کند، مورد اشاره قرار گرفته است (سیستانی، ۱۳۸۶).

در سنتِ تدفین مسلمانان نیز، آنچه گورستان‌های اهل تسنن و تشیع (ایرانیان مسلمان) را از یکدیگر متمایز ساخته، نوع نشانه‌گذاری قبور است. در باورهای مسلمانان اهل تسنن، ساخت یادمان، آرامگاه، و مرقد به استثنای بارگاه پیامبر اکرم (ص) دیده نمی‌شود، به طوری که در قبرستان‌های اولیه اسلام، در میان اعراب و در خارج از محدوده جغرافیایی ایران، قبرهای بدون سنگ، متعلق به اهل تسنن نظیر قبرستان بقیع قابل مشاهده است. در فرهنگ ایرانی نیز با توجه به تحقیقات باستان‌شناسان در باب تدفین مردگان قبل از اسلام، نمونه‌های بسیاری ذکر شده است (در این زمینه رک. قدیانی، ۱۳۸۷).

در فرهنگ ایران بعد از اسلام، یکی از آداب مرگ و تدفین ایرانیان مسلمان، تهیه کردن مدفن در کنار بزرگان مذهبی و عرفانی بوده و مشاهدات در قبرستان‌های بزرگ حاکی از این امر فرهنگی - مذهبی است. آنچه که امروز در مراسم تدفین مردگان مشاهده می‌شود، پس از گذشت هفت روز در یک مراسم ساده، سنگی مزین به مشخصات فرد متوفی و گاه

اشعار و نقوشی بر روی خاک است. در باب سنگ قبرهای موجود در فرهنگ ایرانی، مشاهدات حاکی از حضور نمونه سنگ قبرهایی به حالت ایستاده در شهرهای مرزی است که به آن سنگ قبرهای افراشته می‌گویند. آنچه که فرم سنگ قبرها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، ساختار فرهنگی، قومی، و زمانی آنها است. از دیگر تقسیم‌بندی‌های سنگ قبور نیز می‌توان به طرح و حتی مصالح به کار رفته در ساخت آنها نظیر خشت، آجر و کاشی اشاره کرد. بر بالای سر بعضی از این قبور، سنگ‌هایی به صورت عمودی قرار دارد که بر روی بعضی از آنها به درخواست خانواده متوفی ادعیه، آیات قرآنی، تصویر سیمای شخص متوفی، شمعدان، گلدان و عود و بر روی خود سنگ نیز مشخصات فردی متوفی و تاریخ تولد و فوت حجاری می‌شود.

از نشانه‌های تصویری موجود بر روی برخی سنگ گورها در سنت ایرانی-اسلامی، شانه چوبی به همراه مهر و تسبیح است. این نشانه در حوزه‌های اسطوره، ادبیات، دین و فرهنگ پیش از اسلام و بعد از آن، خود را نشان داده است. بر این اساس شانه به عنوان یک نشانه، بخشی از فرهنگ مذهبی و آیین‌های تدفین ایرانیان مسلمان شیعه را در بر می‌گیرد، که می‌بایست ریشه‌هایی در نظام اعتقادی، و باورهای مردم داشته باشد. با توجه به این که شانه همراه با نشانه‌های دیگر (مهر و تسبیح) بر روی سنگ گور حک می‌شود، فهم تصویر شانه مستلزم فهم رابطه معنادار آن با سایر نشانه‌های تصویری و حتی متون روی سنگ گورهاست. به عبارت دیگر سنگ گور (با تأکید بر تصویر شانه) به عنوان یک متن و نظام نمادین، مستلزم تفسیر و تبیین دلالت‌های فرهنگی و مذهبی شانه چوبی در فرهنگ مردم ایران است. این نشانه امروزه کاربردی در سنگ قبور جدید ندارد، و با توجه به اینکه گورستان‌های قدیم اسلامی در دوران معاصر به حاشیه رفته، آشکار ساختن دلالت‌های فرهنگی - مذهبی این نقوش، آگاهی و شناخت نسبت به بخشی از اعتقادات و باورهای گذشتگان را در ارتباط با فرهنگ مرگ ممکن می‌نماید. باید فهمید که این نشانه‌گذاری‌ها بر اساس چه منطقی تولید و درک می‌شده‌اند.

ادبیات موضوع

این پژوهش مبتنی بر آثار نشانه‌شناسان است. در باب رویکرد این پژوهش، آدامز (۱۳۹۰)، نظریات نشانه‌شناسی فردیناد دوسوسور و چارلز ساندرس پیرس را آغازی برای پاسخ به چگونگی پیدایش، معنا و دلالت‌های نشانه‌ها دانسته و آن را یکی از رویکردهای مهم، در قرن بیستم می‌شمارد. در بخش مطالعات تجربی: کتاب در سایه سرو؛ سنگ نگاری‌های

سنگ آرامگاه‌های مردم اصفهان توسط مهدی تمیزی (۱۳۹۲) داده‌های مستند فراوانی را در برابر ما قرار می‌دهد. پژوهش‌های حوزه تخت فولاد اصفهان به جهت نگاه داشتنِ خاطره و یاد بزرگانِ این گورستان، با رویکردهای تاریخی - توصیفی انجام گرفته است. بر این اساس، بیشترین مطالعات در حوزه مرمت و بازسازی این گورستان رخ داده است؛ میرزایی و همکاران (۱۳۸۴) به پژوهش تخت فولاد با معرفی قبرستان، هنر معماری در بناها و تکایا، هنر خوشنویسی در کتیبه‌ها، هنر حجاری سنگ قبور و زندگی مشاهیر، بزرگان و عرفای مدفون از دوره صفویه تا قاجاریه، به عنوان یکی از مهم‌ترین گورستان‌های اسلامی پرداخته‌اند، و اشاراتی به نشانه‌های موجود بر روی سنگ قبور نیز داشته‌اند که در میان آنها از سه عنصرِ شانه، مهر و تسبیح نیز نام برده شده است. در رساله‌های تدوین شده، زینب حکمت (۱۳۸۹) به بررسی تطبیقی عناصر تصویری سنگ مزارهای آرامستان تخت فولاد اصفهان در دوره‌های صفویه، زند، قاجار و پهلوی با رویکرد جامعه‌شناختی پرداخته است. او نقوش و ادبیات را منشاء اصلی هویت‌سازی این آرامستان و آن را تجلی‌گاه هنر اسلامی معرفی کرده است؛ هم‌چنین این نویسنده، تغییر جامعه، مذهب، باورها و ... را در شکل‌گیری و تغییر نقوش سنگ قبرها مؤثر دانسته است. قدسی (۱۳۸۹) و میر خلف (۱۳۸۱) در مقالات خود به صورت مجزا به معرفی برخی از سنگ مزارهای مشهور تخت فولاد پرداخته‌اند. هم‌چنین هوشنگ پورکریم (۱۳۴۲) در مجله هنر و مردم به نقوش شانه در کنار مهر و تسبیح در سنگ مزارها اشاراتی داشته است. عکس‌برداری نورآقایی (۱۳۹۲) را نیز از سنگ قبور در نقاط مختلف جغرافیایی ایران به عنوان سند تصویری می‌توان مورد اشاره قرار داد. از سوی دیگر یکی از جلوه‌های مهم این سنگ قبور و نشانه‌های آن در بعد هنری خود جلوه‌گر می‌شود. در اینجا خلق هر نشانه هنری مبارزه‌ای بر ضد فراموشی به تعبیری رهایی از مرگ، و میل به جاودانگی است. تداخل مفهوم مرگ و ساختار فرهنگی - دینی در هر جامعه، منجر به تولید ابزاری جهت تداوم زندگی خواهد بود که امروزه از آنها به عنوان اثر هنری یاد می‌شود.

این مقاله، با در نظر گرفتن الگوی نشانه‌شناسی سوسور و نشانه‌شناسی فرهنگی، به مفهوم مرگ، قبر و قبرستان پرداخته است، و تصویر شانه حک شده بر روی سنگ قبور در این نظام متنی و با توجه به الگوی سوسور به عنوان یک نشانه و دال در نظر گرفته، و به دنبال مدلول (معنای آن) خواهد بود. دلالت این نظام نشانه‌ای، ارتباطی است که از این دو وجه در پژوهش به دست خواهد آمد.

سوسور نشانه‌شناسی را علم پایه نشانه‌ها می‌داند، و در نگاه او، زبان‌شناسی یک علم وابسته به نشانه‌شناسی است. در نظریات سوسور نشانه به عنوان «یک پدیده اجتماعی، جزئی از یک نظام نشانه‌ای به شمار می‌رود که وجودش وابسته به توانایی و اراده افراد اجتماع نیست، بلکه در نتیجه "عادات نشانه‌شناختی" همگانی به وجود می‌آید» (دینه سن، ۱۳۸۹). هم چنین او اصطلاح نشانه‌شناسی^۱ را مطرح ساخت و چندین عنصر ساختاری دوتایی را مطرح کرد که از آنها می‌توان به دال و مدلول، همنشینی و جانیشینی، زبان و گفتار، و هم‌زمانی و درزمانی اشاره کرد (آدامز، ۱۳۹۰).

از نظر سوسور؛ دال، تصور صوتی، و مدلول مفهومی است که دال به آن دلالت می‌کند، یا یک تصور مفهومی است (سجودی، ۱۳۸۷). در این الگو، مدلول تنها مفهومی ذهنی است؛ هم چنین مدلول‌ها نظام تشکیل دهنده ذهنی دارند و اشیایی «بیرونی» نیستند. «البته ممکن است یک مفهوم به واقعیتی تجربی ارجاع پیدا کند، اما چارچوب سوسوری تکذیبی بر بحث‌های "ذات پندارانه"^۲ است که در آن مدلول، هستی متمایز و مستقلی در جهان عینی است، که به مثابه یک "هستی" تغییرناپذیر تعین یافته است» (چندلر، ۱۳۸۷). «وی همچنین نشانه را کلیتی ناشی از پیوند بین دال و مدلول دانسته است و رابطه مابین آنها را در اصطلاح دلالت می‌نامد» (نک. سجودی، ۱۳۸۸).

یکی از تقابل‌های دوگانه که در نظریه زبان‌شناختی سوسور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در این پژوهش بیشتر بدان پرداخته خواهد شد، تقابل دو نوع رابطه، یعنی روابط همنشینی و روابط جانیشینی در زبان است. سوسور در فصل پنجم کتاب *زبان‌شناسی عمومی*، مفصلاً به این رابطه پرداخته است. وی معتقد است که، «روابط و تفاوت‌هایی که میان عناصر زبان وجود دارد، به دو حوزه متمایز تقسیم می‌شود که هر یک پدید آورنده دسته معینی از ارزش‌هاست. [...] این دو دسته به دو گونه فعالیت ذهنی ما مربوط‌اند که برای حیات زبان ضروری به شمار می‌روند» (سجودی، ۱۳۸۷). از سویی او اشاره می‌کند که «واژه‌ها در گفتار، به دلیل توالی‌شان روابطی را میان خود برقرار می‌کنند که بر بنیاد ویژگی خطی و یک بعدی زبان استوار است؛ [...] و به همین دلیل این عناصر یکی بعد از دیگری زنجیره‌ی گفتار ترتیب [و نظم] می‌یابند. این ترکیبات را که تکیه‌گاشان امتداد زمانی است، می‌توان زنجیره نامید» (همان). به بیانی در کنار هم قرار گرفتن واج‌ها، تکواژها و واژگان‌اند که باعث می‌شوند تا جمله ساخته شود. «هر واحد زبان شناسیک چون در

¹ Semiology

² Essentialist

مناسبات همنشینی با دیگر واحدها قرار گیرد، زنجیره‌ای آفریده می‌شود. همچنین هر واحد را می‌توان جایگزین واحدی دیگر کرد، و با این کنش زنجیره معنایی گسسته می‌شود» (احمدی، ۱۳۷۵). وی در ادامه به آن سوی دیگر این روابط، یعنی روابط جانشینی می‌پردازد و می‌نویسد که «از سوی دیگر در خارج از چهارچوب گفتار، واژه‌هایی که وجه مشترکی دارند، در حافظه با یکدیگر ارتباط می‌یابند؛ به این ترتیب گروه‌هایی را تشکیل می‌دهند که روابط بسیار گوناگونی در آنها حکم فرماست» (سجودی، ۱۳۸۷). به تعبیری در جانشینی، عناصر تشکیل دهنده می‌توانند جایگزین عناصر یک پیام شوند و پیام هم چنان باقی بماند (احمدی، ۱۳۷۵).

سوسور همچنین برای دیدگاه خود در باب زبان و گفتار، از تمایز میان آنها سخن به میان می‌آورد. به گفته سوسور با جداسازی زبان از گفتار، به تفکیک آنچه اجتماعی است از آنچه مرزی است، و آنچه اصلی است از آنچه فرعی یا اتفاقی است، پرداخته می‌شود. به تعبیری زبان، ساختار دستوری ارتباط کلامی (و نوشتاری) است که در هر فرهنگی همه آن جامعه بر سر آن توافق کرده‌اند. زبان یک امر اجتماعی است، از آن جهت که تمامی افراد جامعه قادر به تغییر آن نیستند. اما در گفتار فردی تغییر امکان پذیر است. «گفتار می‌تواند فریادوار یا آرام، روشن یا مبهم، و رسمی یا گویشی باشد» (آدامز، ۱۳۹۰). گفتار از آن جهت بر زبان پیشی دارد که کودک پیش از فرا گرفتن دستور، سخنوری می‌آموزد، اما در تاریخ فرهنگی، زبان بر گفتار تقدم دارد (همان).

در باب هم‌زمانی و در زمانی نیز، از دیدگاه سوسور می‌توان هر پدیده‌ای را از دو حالت مورد بررسی قرار داد: پدیده‌ای که بخشی از یک نظام کلی است و هم‌زمان با آن وجود دارد، یا لحظه‌ای از یک نظامی تاریخی محسوب می‌شود. به تعبیری یک نماد یا نشانه در عین این که در لحظه حال و در رابطه با سایر همنشین‌ها، معنایی به همراه دارد، به واسطه ارتباط زمانی و تاریخی نیز همراه با سنت‌ها و آداب و فرهنگ، تاریخی دارد. یعنی یک معنا، سلسله ارتباط تاریخی نیز به همراه دارد. اگر یک نشانه را در مناسبت با سایر نشانه‌ها بررسی کنیم، روش مورد استفاده ما هم‌زمانی - توصیفی خواهد بود. اما اگر آن نشانه را به گونه تاریخی مورد بررسی قرار دهیم، آنگاه از روش در زمانی استفاده و به نتیجه رسیده‌ایم. سوسور به ویژگی‌های ایستا در برابر ویژگی‌های پویای زبان اشاره دارد (احمدی، ۱۳۸۰). آدامز نیز در روش‌شناسی هنر این دو حالت را چنین معرفی می‌کند: «هم‌زمانی به صورت یک نظام اجتماعی در یک زمان و مکان بسر می‌برد و تنها در درون آن ساختار اساسی دگرگونی

می‌پذیرد. در زمانی به زبان آن گونه که در طول زمان هستی دارد، اشاره می‌کند، یعنی دگرگونی‌ها و برآمدهای واژه و صدا و معنا و املائی آن را در نظر می‌گیرد» (آدامز، ۱۳۹۰).

بر اساس الگوی رابطه همنشینی و جانیشینی برای فهم نشانه‌ها، شانه موجود بر روی سنگ قبر با دیگر عناصر این نظام متنی، یعنی نوشتار (آیات قرآن، ادعیه، اشعار و مشخصات فرد متوفی) و تصویر (مهر، تسبیح و انگشتر) سنجیده می‌شود. همچنین از طرف دیگر آنچه که نظام نشانه‌های سنگ قبر را به عنوان یک متن معرفی می‌کند، عناصر موجود بر روی آن است که هم‌نشین خوانده می‌شود. با توجه به نقش جانیشینی و جنبه آن در بُعد زمان و مکان، می‌توان نشانه شانه را در دیگر متون نیز یافت.

از سوی دیگر الگوی زبانی سوسور، گفتار صورت عملی شده و تجلی یک الگوی عام و انتزاعی به نام زبان است. در باب فرهنگ مرگ و موضوعات پیرامون آن، مجموعه قواعد فرهنگی در حیطه باورها، عقاید، جنسیت، مراسم تدفین و ... وجود دارد. همچنین متونی شامل نوشته و تصویر بر روی این سنگ قبر بر اساس قواعد فرهنگ ایرانی - اسلامی موجود، نوشته می‌شود که بر این اساس «متن» معادل «گفتار» و «مجموعه قواعد فرهنگی» معادل «زبان» در نظر گرفته شده است، و به دنبال فهم دلالت‌های این نظام متنی خواهیم بود. در الگوی هم‌زمانی و در زمانی سوسور نیز، به کمک رویکرد در زمانی با مراجعه به وجه تاریخی آن، نظیر آداب و سنت‌های پیرامون این نشانه، و هم چنین متون تاریخی - مذهبی مختلف و فرهنگ مسلط بر جامعه، به ریشه‌های تاریخی پیدایش این ترکیب نشانه‌ای یا به تعبیر دقیق‌تر متن نشانه‌شناختی سنگ قبور خواهیم پرداخت، و سپس از طریق هم‌نشین‌هایی مانند مهر، تسبیح، انگشتر و سایر نشانه‌های تصویری و نوشتاری دیگر در روی سنگ قبور، در نهایت می‌توان به معنای این نشانه در متن خود پی برد.

اندیشه مرگ و سنگ قبر

در ایران نیز قبرستان‌های بزرگ و قدیمی متعلق به دوران تاریخی اسلام و گاه پیش از آن نظیر ابن بابویه در ری، دارالسلام در شیراز و تخت فولاد در اصفهان وجود دارد که بزرگان علم و ادب، فرهنگ و هنر و ... در این قبرستان‌ها به خاک سپرده شده‌اند. قبرستانی که در این پژوهش بر آن تأکید شده است، تخت فولاد اصفهان است. در این قبرستان نقوش تصویری بی شماری بر روی سنگ قبور حک گردیده، و آنچه به طور خاص مورد مطالعه

قرار خواهد گرفت نقش شانه است. شانه از نشانه‌هایی است که به تنهایی بر روی سنگ قبور حک نمی‌شود و در کنار آن، نشانه‌هایی نظیر تسبیح و مهر، نه تنها دلالت معنایی آن را تغییر می‌دهد، بلکه دلالت‌های فرهنگی - مذهبی نهفته در آن را نیز آشکار می‌سازد. با توجه به این که نشانه‌گذاری تصویری بر روی سنگ قبور در گذشته اتفاق افتاده و امروزه بسیاری از مخاطبان، دانش فرهنگی لازم برای درک این نوع نشانه‌ها را ندارند، لازم است برای فهم این نشانه‌ها، از روش‌های ترکیبی استفاده شود. اسناد و مدارک مربوط به تمام یا بخشی از این نشانه‌ها، در بخش تاریخی با در دست داشتن منابع دست اول، مانند اسنادی که توسط ناظران واقعی جمع‌آوری شده، یا ایجاد گردیده است، و یا منابع دست دوم همانند گزارش‌هایی که توسط افرادی که مستقیماً ناظر واقعی نبوده اما توانسته‌اند از طریق منابع دست اول به اطلاعاتی دست یافته باشند، باید مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد. در این پژوهش، از سه روش گردآوری داده‌ها استفاده شده است؛ در وهله‌ی اول با مراجعه به اسناد و گزارش‌های تاریخی تلاش شده است که به ریشه‌های تاریخی و فرهنگی تولید و کاربرد نقوش روی سنگ قبور بپردازیم. سپس با کمک مطالعات میدانی و مشاهده مستقیم سنگ قبور در تخت فولاد اصفهان به توصیف ویژگی‌های عینی و ملموس کاربرد نقش شانه بر روی سنگ قبور پرداخته شده است، و در نهایت به کمک مصاحبه با متخصصان مطالعات آیین‌های تدفین، و همچنین بازمانده‌های نسل‌های حجازان سنگ قبور تلاش شده است به ذهنیت فرهنگی‌ای که در پس این نوع نشانه‌ها وجود دارد، پی برده شود.

قبرستان و سنگ قبرهای تخت فولاد

قبرستان تخت فولاد در جنوب زاینده‌رود قرار دارد. این قبرستان تا قبل از دوره صفویه تنها یکی از قبرستان‌های شهر اصفهان بوده است، اما با قدرت گرفتن حکومت صفویه و وارد شدن مذهب تشیع، این قبرستان به عنوان قبرستان رسمی اصفهان انتخاب و تحت حمایت پادشاهان صفوی قرار گرفت و در آن عرفا و شعرای بزرگی مدفون شدند (عظیمی، ۱۳۷۹). در این قبرستان به تنوع طرح و سبک معماری بناها در دوره‌های گوناگون تاریخی هم چون آب انبارها، مادی‌ها، سنگاب‌ها و سقاخانه‌ها و کاروانسراها می‌توان اشاره کرد. حضور هنرهای دیگری هم چون خطاطی، حجاری، گره چینی، نقاشی و شیرهای سنگی به این قبرستان اعتباری هنری عطا کرده است. همچنین در این قبرستان تکایای متعددی وجود دارد. قبرستان تخت فولاد به نام‌های دیگری همچون لسان‌الارض، و بابا رکن‌الدین خواننده می‌شده و وجه تسمیه‌هایی نیز برای آن گفته شده است (رک. میرخلف، ۱۳۸۱).

سنگ قبرهای تخت فولاد اصفهان را به سه نوع (خوابیده یا افقی صندوقی و همسطح زمین، افراشته، افراشته و خوابیده در کنار هم) و دو بخش اصلی (محصور در تکایا و فضای باز) می‌توان تقسیم نمود. مشاهدات نشان می‌دهد که تکایا در تخت فولاد را می‌توان به سه دوره‌ی زمانی تقسیم کرد: صفویه تا قاجار، قاجار تا معاصر و تکیه‌های مربوط به گلزار شهدا. سنگ قبرهای موجود در تکایا، متعلق به آرامگاه‌های خانوادگی نظیر بابا رکن‌الدین، فاضل‌سراب، مادر شاهزاده، کازرونی‌ها و ... با دیوار محصور ساخته شده است. سنگ قبرهایی که در فضای باز و متعلق به عوام بوده است، در فرم مستطیل خوابیده و هم‌سطح زمین، و نعلی شکل دیده می‌شود. در نوع سنگ مورد استفاده بر روی قبور نیز تمایز گذاری خاصی وجود دارد. بر این اساس، سنگ قبور مکان‌های محصور از جنس مرمر و به رنگ روشن است، اما در محیط‌های باز و آنجا که سنگ‌ها در معرض آفتاب سوزان شهر است، نوع سنگ قبور مورد استفاده سنگی تیره و تقریباً سیاه است، که از استحکام بالایی در برابر نور برخوردار است. بر روی بعضی از این قبور نیز یک یا دو گودال کوچک مشاهده می‌شود که در یکی از آنها گندم و در دیگری آب ریخته می‌شود. از نشانه‌های دیگری که قابل توجه و موجود بر روی بعضی سنگ قبور تخت فولاد اصفهان است، اشیاء و ابزارهای مادی را می‌توان نام برد. حک شدن این تصاویر نمی‌تواند به تنهایی جنبه تزئینی داشته باشد.

نشانه‌های سنگ قبور در تخت فولاد

نشانه‌های موجود بر روی سنگ قبور این قبرستان را می‌توان به دو نشانه بصری و نوشتاری تقسیم کرد. نشانه‌های نوشتاری که بخش اعظم سنگ قبور را تشکیل می‌دهند خود نیز به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شود. سر لوحه در بالای سنگ قبور سرآغاز هر سنگ قبر است. مشاهدات نشان می‌دهد که مضامین سر لوحه‌ها به زبان عربی و برای بیان کردن بقای ذات، توکل بر خدا توسط متقین و ... حک شده است. کتیبه اصلی و گاه حواشی نیز شامل ادعیه، احادیث، مشخصات فردی متوفی، سال، تاریخ، و اشعار متعلق به بزرگان است. یوسف نجفی یکی از بنیان تکیه و فرزند آقای حجت نجفی از دیگر نوشتارهای سنگ قبور به ماده‌ی تاریخ اشاره و بیان می‌کند که «یکی از فنون هنر شعرسرای، سرودن همین ماده تاریخ است که با حروف ابجد صورت می‌پذیرد؛ مصرع آخر شعر بیان گر تاریخ فوت آن شخصیت است، روی سنگ قبر پدر بنده نوشته شده است:

یکی از جمع برون شد پی تاریخش گفت جام فردوس برین یافت عماد الاسلام

عماد الاسلام لقب پدر بنده هست و مصرع دوم اگر به حروف ابجد باز گردانده شود، تاریخ فوت پدر ۱۳۸۶ قمری مصادف با ۱۳۴۵ شمسی است» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۲).

در مشاهده آن دسته از سنگ قبور با نقوش اشیاء در قبرستان تخت فولاد و تفسیر این نشانه‌ها آنچه که در ابتدای امر آشکارا به نظر می‌رسد، این نقوش بیانگر شغل، حرفه و پیشه‌ی شخص متوفی است. برای یافتن معنای دقیق‌تر بعضی از این نشانه‌ها، باید به دنبال فهم رابطه فرهنگی این نقوش تصویری در کنار دیگر نشانه‌های موجود بر روی این سنگ قبور بود. شانه از نقوشی است که در این قبرستان بر روی برخی سنگ قبور به همراه مهر، تسبیح و دیگر نشانه‌ها حک شده است.

نقش شانه بر روی سنگ قبر

در منطق تعیین نشانه‌ها بر روی سنگ قبور، مسئله سواد خواندن و نوشتن در فرهنگ سنتی بسیار مهم است. به نظر می‌رسد در زمانه‌ای که اکثریت مردم بی‌سواد بوده‌اند، هر چند کاربرد متن نوشتاری بر روی سنگ قبور می‌توانسته نشانه‌ای از منزلت بالاتر متوفی باشد، اما در هر حال برای انتقال پیام‌هایی در مورد فرد متوفی، شغل او، ویژگی‌های مهم او، به ویژه در زمینه ارزش‌های مذهبی، بهترین راه نشانه‌های تصویری هستند. به تعبیر یکی از حجاران سنگ قبور در تخت فولاد، در گذشته برخی نشانه‌ها نظیر شانه چوبی به همراه مهر و تسبیح، عامل تمایزگذاری دینی به دلیل حضور اقلیت‌های مذهبی این شهر (زرتشتی و ارامنه) در قبرستان تخت فولاد بوده است. وسعت بسیار بالای تخت فولاد اصفهان امکان بررسی دقیق و یافتن تمامی نقوش، علی‌الخصوص شانه را سخت می‌کند. بررسی اولیه تعدادی از سنگ قبور با نقش شانه چوبی در دیگر نقاط ایران، الگویی تکرار شونده را در اختیار قرار می‌دهد. در پی مشاهدات اولیه و عکس‌برداری از تخت فولاد اصفهان، مشاهده تکایای مهم‌تر و تاریخی‌تر متعلق به دوران‌های صفویه، قاجاریه و پهلوی انجام شد، و نقش شانه در تکیه‌های فاضل سراب، تکیه مادر شازده و اطراف آن، حیاط تکیه بابا رکن‌الدین و فضای اطراف آن، تکیه میر فیدرپسکی مشاهده شد و به طور دقیق مورد بررسی و بازخوانی قرار گرفت.

شانه در لغت به معنای «آلتی دنداندار که از استخوان، چوب و غیره سازند و با آن موی سر یا ریش را هموار سازند و مرتب کنند» آمده است (معین، ۱۳۸۵). دهخدا نیز شانه را در برهان قاطع آن چیزی معرفی می‌کند که از چوب، شاخ، استخوان و یا فلز و ... سازند، و

زلف و گیسو را بدان پرداز دهند (دهخدا، ۱۳۷۷). شانه چوبی ابزاری است که از دیرباز در باورهای مناطق مختلف دنیا متعلق به زنان بوده است، و از آن در تداول عامه برای شانه کردن گیسوی خود و تزئین آن استفاده می‌کردند. امروزه نیز در نگاه عامه مردم، آنجا که نقش شانه و یا خود آن مشاهده می‌شود، ابزار و نشانی متعلق به زنان در نظر گرفته می‌شود.

در رویکردهای اسطوره‌شناختی، و آیکنوگرافیک، شانه به مثابه یک نماد، در فرهنگ‌های سنتی معنای خاص خود را داشته است. کوپر آن را نمادی از «باروری؛ باران؛ پرتوهای خورشید؛ رابطه جنسی؛ موسیقی؛ نشانه ونوس^۱، پری‌های دریایی و سیرن‌ها^۲» می‌داند (کوپر، ۱۳۷۹). «در اساطیر ژاپن، شانه نقش خاص و مهمی دارد، گرچه این نقش از طبیعتی پیچیده برمی‌خیزد. نکته جالب توجه آن است که شانه روی سر قرار می‌گیرد، بدون در نظر گرفتن جنبه کاربردی آن، شانه وسیله‌ی ارتباط با قدرتی مافوق طبیعت است، و با این قدرت همذات می‌شود [...]» (شوالیه، لگر بران، ۱۳۸۵).

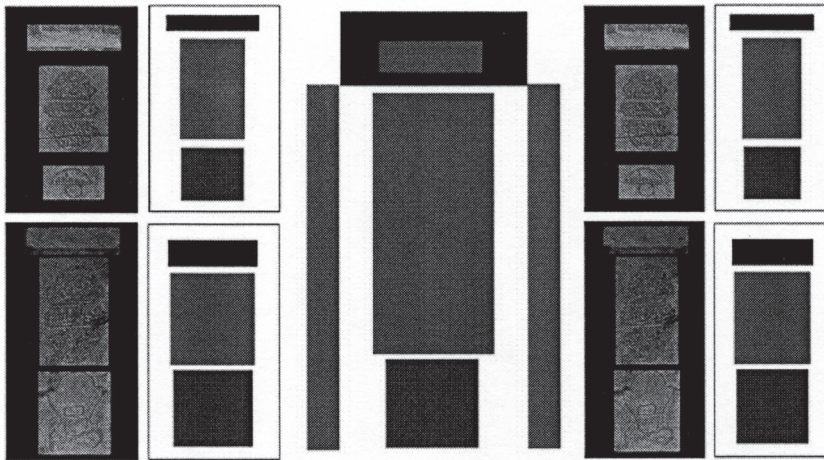
بواسطه تحولات فرهنگی بعد از اسلام، شانه از نقوشی است که در دوره اسلامی معنای لزوماً یکسان با دوره پیش از خود ندارد، بلکه با توجه به محیط فرهنگی و باورهای نو و همچنین حضور هم‌نشین‌های جدید خود، معنای متفاوتی پیدا کرده است. به تعبیری هر نشانه، با قرار گرفتن در فرهنگ‌های متفاوت می‌تواند معنای خود را با آن تطبیق و به معنای جدیدی دست‌یابد، که در این میان فرهنگ ایرانی نیز از این اتفاق مستثنی نمانده و با توجه به تفکیک خاص (دوره پیش از اسلام - دوره پس از اسلام)، تغییرات فرهنگی زیادی به خود دید. عناصر فرهنگی مختلفی (هم در فرم‌ها و هم در محتوا) بعد از ورود اسلام به ایران، وارد فرهنگ اسلامی ایران شدند، و توانستند با قرار گرفتن در کنار سایر نمادهای (دال‌ها و مدلول‌های) اسلامی، خودشان را بازتولید کنند. برخی از دال‌های فرهنگ ایران پیش از اسلام در دوره جدید، مدلول اسلامی پیدا کردند، و مدلول‌های ایران پیش از اسلام نیز دال‌های جدیدی در فرهنگ اسلامی ایران پیدا کردند. این نوزایی و بازتولید دال‌ها و مدلول‌ها بخشی از فرآیندهای تغییر و تداوم فرهنگی است که قابلیت انطباق با شرایط جدید فرهنگی را به یک جامعه می‌دهد.

آنچه که از نقش شانه در سنت‌های ایرانی-اسلامی به جا مانده، و قبلاً نیز بدان اشاره شد، حضور این نقش بر روی سنگ قبور است. شانه تنها نشانه حک شده موجود بر روی

¹ Venus

² Sirens

سنگ‌ها نیست، بلکه در کنار آن تسبیح، مهر، انگشتر، و گاه سجاده به همراه متون نوشتاری شامل نام متوفی، تاریخ فوت، ادعیه و اشعار نیز دیده می‌شود، و ترکیب یک نظام متنی را به تماشا می‌نهد. خوانش فرمالیستی سنگِ قبورِ موردِ بررسی در این پژوهش گواهی بر این موضوع است که ترکیب نشانه‌های بصری و نوشتاری، به تعبیری، یک نظام متنی را تشکیل می‌دهند (تصویر ۱).



نشانه نوشتاری نشانه تصویری نشانه جنسیتی
تصویر ۱: توزیع نظام نشانه‌های سنگ قبور با نقش شانه

با توجه به نکات ذکر شده به نظر می‌رسد که نشانه‌های بصری در بیشتر قبور، هم معنا با نشانه‌های نوشتاری نیست، به تعبیری، لزوماً نشانه‌های بصری و نوشتاری یک معنا را در بر نخواهند داشت، بلکه بیشتر نقش مکمل را برای یکدیگر ایفا می‌کنند و در نهایت منجر به شکل‌گیری یک نظام متنی می‌شوند.

سنگ قبر با نشانه شانه

تکیه بابا رکن‌الدین در جنوب قبرستان تخت فولاد قرار گرفته است. بابا رکن‌الدین از عرفای قرن هشتم و از اهالی شیراز است. مردم اصفهان، ارادت و احترام بی شماری به جهت مکاشفه‌ی وی با شیخ بهایی قائل هستند (میرزایی و دیگران، ۱۳۸۴). از نشانه‌های حک

شده بر روی سنگ قبر موجود در حیاط این تکیه، شانه به همراه مهر و تسبیح هستند. این قبر متعلق به فردی به نام محمدباقر است که در سال ۱۳۵۹ قمری همزمان با دوره پهلوی در گذشته است. فرم سنگ قبرهای هر منطقه متأثر از فرهنگ و معماری آن است. در این سنگ قبر همانگونه که مشاهده می‌کنید، نعلی شکل و هم سطح با زمین قرار گرفته دیده می‌شود (تصویر شماره ۲).

بر این اساس و با توجه به اینکه معماری مسیحی با حضور آرامنه در اصفهان، در منطقه‌ی جلغا شکل گرفته است، و حجاران تخت فولاد بخشی از حجاری بناهای این منطقه را نیز به عهده داشته‌اند، می‌توان تأثیر فرهنگ معماری مسیحی را در سنگ قبور اسلامی مشاهده کرد. در مشاهده اولیه به نظر می‌رسد، بخش هلالی سنگ قبر که در آن نشانه‌های بصری حک شده، متعلق به بالای سنگ قبر است، در صورتی که بخش نشانه‌های بصری و نوشتاری در دو جهت مخالف یکدیگر حکاکی شده‌اند. در سر کتیبه اصلی نیز مضمون هوالباقی در باب ذات احادیت نوشته شده و بیانگر اعتقاد فرد متوفی به وحدانیت پروردگار است.



تصویر ۲: سنگ قبر با نشانه شانه، تخت فولاد اصفهان، حیاط تکیه بابا رکن‌الدین، ۱۳۹۱، هاجر قربانی

در اطراف سنگ قبر، دو حاشیه ساده خطی، و در وسط آن یک حاشیه با نقوش زیگزاگ مشاهده می‌شود. حاشیه دیگری که در این سنگ قبر می‌توان به آن اشاره کرد، شعری است که با این مضمون در سمت راست و چپ سنگ حک شده است:

یا رب مکش آنرا تو به غربت که بخواند / از بهر من الحمدی و اخلاص به افسوس

مردم به غریبی به دو صد حسرت و افسوس / کشتم ز رخ خویش تبارم همه با [۹] (نک. جدول شماره ۱)^۱

شماره قبر	۲۱
نام متوفی	کربلایی محمد باقر
تاریخ وفات	۱۳۵۹ شمسی
محل قرار گیری قبر	حیاط تکیه بابا رکن الدین
شکل قبر	سنگی شکل
طول	۸۷ سانتی متر
عرض	۳۵ سانتی متر
ارتفاع	همسطح زمین
سبب توج	هوانیاق
کتیبه اصلی	یارب مکش انرا تو به غیبت که بخواند از بهر من الحمدی و اخلاص به افسوس مردم به غریبی به دو صد حسرت و افسوس کشتم ز رخ خویش تبارم همه با ...
دی نشانه و وابسته	نقوش زیکراک در حاشیه سنگ قبر

جدول شماره ۱: نظام متنی سنگ قبر با نقش شانه

در نشانه‌های تصویری حک شده بر روی این سنگ قبر در قسمت نعلی شکل سنگ، شانه در سمت راست، مَهر در سمت چپ، تسبیح در وسط، دو چرخ در دو طرف تسبیح، یک درخت سرو در میان رشته تسبیح، و یک انگشتر در سمت چپ شانه و سمت راست تسبیح، و مخالف جهت نشانه‌های نوشتاری مشاهده می‌شود (جدول شماره ۲).



جدول شماره ۲: نظام تصویری سنگ قبر با نقش شانه

● شانه حک شده بر روی این سنگ قبر هلالی شکل و در یک سمت آن دندانه وجود دارد. با مشاهده و بررسی این نشانه (در دیگر سنگ قبوری که در بخش پیش به آن اشاره شد) بی‌شک شانه به معنای پیشه یا حرفه شخص متوفی نیست. حضور دیگر نشانه‌ها در کنار شانه حاکی از یک معنا و مفهوم دیگری است که سعی در بیان آن به مخاطب را دارد.

^۱ آخر شعر به دلیل آسیب دیدن سنگ قبر از بین رفته است و مشخص نیست.

• مَهر از نشانه‌های فردی مسلمان است که اعتقاد به امامت و خلافت حضرت علی^(ع) بعد از وفات پیامبر دارد، به تعبیری این فرد یک مسلمان شیعه است. مَهر از نشانه‌های تمایز گذاری اهل تشیع از اهل تسنن نیز است.

• تسبیح از دیگر نشانه‌هایی است که در فرهنگ مسلمانان شیعه به عنوان وسیله‌ای برای یاد خداوند استفاده می‌شود. بنا به روایات، تسبیح متعلق به سنتی از پیامبر اسلام^(ص) است که به دختر خود فاطمه^(س) تعلیم می‌دهد. اما تسبیح رشته‌ای متشکل از سی و چهار دانه از جنس سنگ، خاک و مواد دیگر است، اما آنچه در گذشته و بنابر روایات، ثواب بیشتری در فرهنگ شیعی برای آن در نظر گرفته شده، ذکر تسبیح با تربت امام حسین^(ع) است. تسبیح از نشانه‌هایی است که شیعیان بعد از نمازهای یومیه خود، به ذکر و ستایش خداوند یکتا به ترتیب سی و سه بار الحمدالله، سی و سه بار سبحان‌الله و در آخر سی و چهار بار الله‌اکبر و در مجموع صد ذکر می‌گویند.

• انگشتر نیز از نشانه‌هایی است که در فرهنگ اسلامی بیشتر مدلول مردانه را دارد. روایات زیادی از پیامبر و ائمه در توصیه به انواع مختلف انگشتر و کاربردهای خاصشان شده است. در مجموع در این روایات انگشتر به مثابه یک نشانه دینی، بیانگر باورهای اعتقادی خاصی است که مؤمن مسلمان دارد.

• سرو از درختانی است که در بیشتر سنگ قبور قبرستان‌های ایرانی - اسلامی دیده می‌شود. درخت سرو از درختانی است که در همه فصول سرسبز و زنده مشاهده می‌شود و نماد جاودانگی، یعنی حیات پس از مرگ است و در کنار قبرهای یونان باستان، ایتالیا، خاورمیانه، هندوستان، چین، و همچنین اروپای مسیحی دیده شده و از این لحاظ با آیین تدفین در ارتباط است (هال، ۱۳۸۹). بر این اساس و با توجه به باور مذهبی مسلمانان بر جاودان ماندن روح می‌توان آن را نشانه‌ای از فناپذیری و جاودانگی دانست.

تصویر دو چرخ بر روی سنگ قبر را شاید بتوان به معنای خورشید دانست که دو چرخ یا دو خورشید بیانگر طلوع و غروب فرد مدفون در زیر خاک است؛ بر اساس مصاحبه با رضا عمرانی تنها حجار زنده تخت فولاد، این تصاویر تنها برای پر کردن فضای خالی، حکاکی می‌شده است. از طرفی فرزند ایشان که سنت، و حرفه پدر را دنبال می‌کند با توجه به حجاری در آتشکده زرتشتی اصفهان، چرخ را از نقوش متعلق به این اقلیت مذهبی می‌داند (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۲). بر این اساس، معنای دقیقی برای این گونه نشانه‌ها در نظر گرفته نشده و خود لازمه تحقیق و بررسی بیشتری خواهد بود.

تجزیه و تحلیل نشانه‌ها

سنگ قبر، همانطور که در بخش‌های قبل نیز به آن پرداخته شد، به عنوان یک متن، اعم از متن نوشتاری و تصویری دارای نشانه‌های متعددی است. پس می‌توان بیان کرد که هر کدام از این متون، چه تصویری و چه نوشتاری حک شده بر روی سنگ قبرها، خود یک نظام نشانه‌ای معرفی می‌شوند. این نشانه‌ها در کنار یکدیگر و با رابطه هم‌نشینی، امکان تشکیل یک متن را می‌دهند. هم‌چنین در مواجهه با این نظام متنی آنچه مورد اهمیت است، تولید معنای این نشانه‌ها و چگونگی ارتباط مخاطب با این سنگ قبور است. دستیابی به چنین معناهایی با تجزیه و تحلیل در علم نشانه‌شناسی انجام می‌شود، که این پژوهش می‌کوشد با در نظر گرفتن این رویکرد و طبق الگوی سوسور به دنبال فهم دلالت نشانه‌های سنگ قبور مورد نظر و تأکید بر دستیابی به معنای نشانه‌ها باشد.

براین اساس، در سطح معنای صریح از شانه، آنچه مخاطبان این قبور در می‌یابند، شانه وسیله‌ای برای آراستن گیسوان در جامعه زنانه است. اگر چه شانه معنای ابتدایی و ساده‌ای از خود نشان می‌دهد، اما آنچه در اینجا مورد اهمیت واقع می‌شود، آن است که نشانه‌ی شانه بر روی سنگ قبور دلالت‌های ضمنی دیگری به خود می‌گیرد. معنای دوم ظاهری‌ای که از این نشانه با توجه به قرار گرفتن در کنار نظام متنی ذکر شده برداشت می‌شود، معرف حرفه و پیشه فرد متوفی است. با این وجود نیز با جای گرفتن این نقش در کنار دیگر دال‌های بصری و نوشتاری موجود، نظیر مَهر، تسبیح، انگشتر، سجاده، و همچنین ادعیه و اشعار با محتوای مذهبی و باور به معاد، به نظر می‌رسد که می‌بایست به دنبال معنای دیگری برای این نشانه بود.

تمامی نشانه‌های حک شده، سعی در بیان و برجسته کردن باورهای فرد متوفی دارد که در این مکان به خاک سپرده شده است. از شاخص‌ترین این نشانه‌ها، اشعار نوشته شده در باب طلب مغفرت و خواندن فاتحه توسط رهگذران، تا حضور نقوشی نظیر مَهر و دیگر نشانه‌های مذهبی است. بر این اساس می‌توان بیان کرد استفاده از متون نوشتاری در کنار دیگر نشانه‌ها تلاشی برای نشان دادن بخشی از فرهنگ مذهبی جامعه و باورهای خود فرد متوفی است.

اگر شانه را به عنوان یک نشانه به تنهایی معنا کنیم، به این معنی است که آن را از نظام متنی خود (سنگ قبر) جدا کرده‌ایم. از طرفی نشانه‌ها با دیگر نشانه‌های موجود بر روی سنگ قبر در بُعد مذهبی آن دارای وجه اشتراک هستند. بر این اساس قرار گرفتن شانه در کنار هر کدام از نشانه‌های مَهر، تسبیح، انگشتر، سجاده، و یا عناصر نوشتاری نظیر ادعیه، آیات قرآنی، اشعار و مشخصات فرد متوفی، معنای خود را از دست نداده است، و پیام را

همچنان به مخاطب می‌رساند. افزون بر این شانه به عنوان یک نشانه خاص با حضور در دو فرهنگ اساطیری و اسلامی قرار دارد، اما در سطح هم‌زمانی در یک نوع از رابطه هم‌نشینی قرار گرفته است. به تعبیری آنچه در اینجا مورد اهمیت است این است که، هم‌نشینی شانه به عنوان نشانه‌ای در کنار دیگر نشانه‌های مذهبی، جانشین شانه در یک بافت اساطیری و متعلق به یک بافت فرهنگی دیگر شده، و معنای جدیدی به خود گرفته است. یعنی با توجه به نکات یاد شده، اگر بتوان شانه را در گذشته مدلولی زنانه در نظر گرفت، که معنای دیگری را تولید می‌کرده است، با قرار گرفتن بر روی سنگ قبور در بافت فرهنگی - مذهبی دوران اسلامی، نه تنها معنای پیشین خود را از دست داده است، بلکه به معنایی جدید نیز دست می‌یابد.

با توجه به نکات ذکر شده، سنگ قبور به مثابه یک متن را به دو بخش اصلی تفکیک و مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم؛ متون نوشتاری که توصیفی از باورها و آیین‌های تدفین بر روی سنگ قبور هستند، و متون بصری که بیانگر حرفه، تزئینات، و همچنین نشانه‌های مذهبی است. همچنین در پژوهش حاضر با تأکید بر نشانه شانه موجود در متون بصری - مذهبی به دنبال دستیابی مصداق‌های آن از میان متون نوشتاری خواهیم بود.

محتوای متون نوشته شده

متون نوشتاری مهمترین و بخش اعظمی از نظام متنی قبور تخت فولاد را تشکیل داده است. با توجه به در نظر گرفتن تخت فولاد به عنوان یک قبرستان ایرانی - اسلامی، آنچه که به عنوان متون نوشتاری بر روی سنگ قبور حک شده، برگزیده‌ای از نظام اعتقادی انسان‌هایی است که در اینجا به خاک سپرده شده‌اند؛ مثلاً اعتقاد به خدای یکتا و خالق زمین و آسمان، اعتقاد به آخرین فرستاده‌ی او پیامبر اکرم (ص)، باور داشتن به آخرت که فنا در عالم راهی ندارد و آنچه به نام فناست تنها تغییر مکان از جایی به جای دیگر است. بر این اساس آنچه در این نظام اعتقادی مورد توجه قرار می‌گیرد، حساب و کتاب اعمال این انسان‌هاست؛ به تعبیری اصول دین در نوشته‌های این قبرستان مشاهده می‌شود. از سوی دیگر پاسخگویی در قیامت، لازمه‌هایی دارد که از آنها به فروع دین در اسلام یاد شده و مصداقشان نماز، روزه، حج، تولی و تبری به معنای دوستی با اهل نبوت، و دشمنی با دشمنان آنها و ... است. همچنین از دیگر نکات مهم و برجسته موجود در این قبرستان، تعلق تاریخی این مکان به دوره قاجار و پهلوی است. در اصفهان پس از به قدرت رسیدن دولت صفویه، تشیع به عنوان مذهب رسمی اعلام شد، و پس از آن کم کم به قدرت رسید.

مشاهدات نشان می‌دهد که بخش نسبتاً زیادی از متون سنگ قبرها در باب دختر پیامبر اکرم (ص) و بالاخص اولین امام شیعیان حضرت علی (ع) است. همچنین مدفون بودن تعداد زیادی از دروایش در این قبرستان، بیانگر اهمیت گرایش صوفیانه اسلامی در این فرهنگ است. به تعبیری پایه اصلی نظام اعتقادی این قبرستان (حداقل در چهار قرن اخیر) مذهب تشیع است. به همین سبب تمایلی شدید به نشان دادن وجوه مذهبی متوفی، و اینکه او فرد مؤمن و معتقدی بوده، وجود داشته است. با توجه به نکات ذکر شده، مهم‌ترین مصداقی که در سنگ قبور برای نشان دادن انسان مؤمن وجود دارد عبادت پروردگار است، یعنی تأکید بر وجه فردی عبادت که در باور اسلامی شامل مسجد رفتن، روزه گرفتن و نماز خواندن و دیگر مناسک مربوط به آن است. با توجه به این که مسجد رفتن و روزه گرفتن بیشتر امری انتزاعی است و به نظر می‌رسد قابلیت به تصویر کشیدن را در خود ندارد، اما، نماز و اجزای تشکیل دهنده‌ی آن به عنوان یک نظام اعتقادی شیعی تعین مادی به خود گرفته و با حضور نشانه‌هایی همچون تسبیح، مَهر، سجاده و ... برای مخاطبان ملموس‌تر خواهد بود.

محتوای نشانه‌های بصری

مطالعه نشانه‌های بصری سنگ قبور تخت فولاد نشان می‌دهد که بر روی سنگ قبور نه تنها نشانه‌های نوشتاری حک شده، بلکه نشانه‌های بصری، نقش پرننگی بر روی آنها ایفا می‌کنند. با توجه به بررسی سطح نسبتاً گسترده‌ای از تخت فولاد، و عکس‌برداری از نقاط مختلف این قبرستان، نشانه‌های بصری را به سه بخش نشانه‌های حرفه‌ای، نشانه‌های تزئینی، و نشانه‌های مذهبی تفکیک کرده و به بیان این نمونه‌ها خواهیم پرداخت.

نقوش حرفه‌ای

این نقوش در سطح وسیعی از تخت فولاد به جهت نشان دادن پیشه و حرفه شخص متوفی قابل رویت هستند. نقوشی نظیر دفتین در قالی بافی، قیچی در سلمانی، فرمان ماشین در رانندگی، قلم و دوات در هنر خوشنویسی، تَبَر و کَشکول متعلق به دروایش، انبر و لامپ در برق کشی، ساطور و چاقوهای مختلف در قصابی، اره و چکش در نجاری، ترازو در بقالی، چاقو، دیگ و کف گیر در آشپزی، انبر و گیره در نانوایی، زنجیر و چکش در آهنگری، قفل و کلید در کلید سازی، تفنگ و قنداق متعلق به شکار، آچار، پیچ گوشتی و انبر متعلق به

مکانیک، کباده، سنگ، تخته‌شنا و میل در ورزش باستانی و دیگر نقوش دیده می‌شود. از دیگر نشانه‌های قابل توجه، نقش دو زنجیر در کنار یک قمه است که می‌تواند اشاره‌ای به مراسم قمه‌زنی در ایام محرم و عشق فرد متوفی به امام حسین^(ع) در شهر اصفهان باشد.

نقوش تزئینی

بخش اعظمی از نشانه‌های بصری قبرستان تخت فولاد به نقوش تزئینی اختصاص یافته است. بوته‌های گل با در هم آمیزی گل‌های واقعی و انتزاعی به صورت حک شده در دست انسان، ستون‌های مزین به گل‌های آویز، گلدان‌های گل، نقش گل در کنار پرندگان، درختان سرو، پسر جوان گل به دست، نقش ماهی، درخت تاک، خورشید، چرخ، گل‌های پنج پر، طاووس نشسته بر درخت، نقوش اسلیمی، فرشته، اردک، شیر که گردن غزالی را به دندان گرفته، آهو، میوه گلابی، و غاز به همراه نقش خورشید خانم متعلق به دوران قاجار، از نمونه‌های نشانه‌های بصری تزئینی است که در قبرستان تخت فولاد مشاهده و عکس برداری شده است. بیشترین نقوش تزئینی که بر روی قبور مشاهده می‌شود، گل و گلدان است که به نظر می‌رسد بازنمایی بهشت و باغ‌های بهشتی باشد.

نقوش مذهبی

آنچه از نقوش مذهبی در این قبرستان به جا مانده است، می‌توان به مهر، تسبیح، انگشتر، محراب، شمیر و سپر در تعزیه‌گردانی از نشانه‌های مذهبی - شیعی و نشانه‌شانه اشاره کرد. با توجه به قرارگیری نشانه‌شانه در کنار دیگر نشانه‌های مذهبی در تخت فولاد برای فهم معنای آن، لازم است که به بستر فرهنگی و مذهبی جامعه اصفهان وارد شد. در جستجو برای یافتن نمونه‌های موجود از شانه، به دو شانه چوبی دست پیدا کردیم. این شانه‌ها به بیان نوادگان فرد متوفی، متعلق به شخصی به نام مرحومه عصمت نجفی هستند، اما پس از مصاحبه با فرزند ایشان مشخص شد این شانه‌ها متعلق به مادر ایشان نیست. دو شانه‌ی چوبی مورد نظر از جنس چوب آب‌نوس و به شکل عامه‌شانه‌هایی است که بر روی سنگ قبور مشاهده می‌شود (تصویر ۳). بر روی این شانه ادعیه و کلمه الله و پنج تن محمد، علی، فاطمه، حسن، و حسین حکاکی شده است. در ابتدای مصاحبه با فرزند مرحومه، یوسف نجفی هفتاد و پنج ساله بیان کرد که «این شانه‌ها مردانه است. شانه‌هایی که یک

سر و هلالی شکل هستند تنها برای شانه کردن محاسن به کار می‌روند و از بالای محاسن به سمت پایین قابلیت شانه کردن دارند. شانه به سمت بالا و در موی سر قابل استفاده نیست» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۲). به تعبیری این نوع شانه تنها کاربرد مردانه دارد. وی همچنین قدمت این شانه‌ها را بیش از هشتاد سال دانسته و آن را از وسایل شخصی پدر- مرحوم شیخ مرتضی نجفی از روحانیون صاحب نام و بزرگ اصفهان مشهور به حجت نجفی- به جهت آراستن خود هنگام ادای نماز دانست که برای ادای نماز محاسن خود را مرتب ساخته، سجاده ایشان همیشه بر روی یک قالیچه پهن بوده، مهر و تسبیح را در وسط سجاده کوچک و انگشتر خود را (شرف شمس) در پایین مهر قرار می‌دادند. همچنین در سمت راست سجاده کتب ادعیه و در سمت چپ آن شانه‌های چوبی خود را قرار می‌داده و استفاده می‌کردند.

با توجه به مطالب ذکر شده برای دریافت فهم معنای جدیدی از شانه در بُعد مذهبی و چرایی قرار گرفتن این شیء در کنار دیگر نشانه‌های مذهبی بر روی سجاده مؤمن متقی، به اسناد تاریخی - مذهبی رجوع شد. مطالعات نشان می‌دهد که یکی از سفارشات اخلاقی دین اسلام، رعایت پاکیزگی است که در باب شانه‌زدن مو، فواید و آداب آن سخن گفته شده است، و با توجه به اختصاص دادن بخشی از برخی منابع روایی به شانه و آداب آن، اهمیت این موضوع (شانه) در فرهنگ اسلامی آشکار می‌شود.



تصویر ۳: شانه چوبی متعلق به آقا مرتضی حجت نجفی، اصفهان، ۱۳۹۲، هاجر قربانی

بر این اساس در کتاب سن‌النبی متعلق به آداب و روش‌های رفتاری پیامبر^(ص)، از آثار و فواید شانه زدن اشاره شده است: «رسول خدا^(ص) محاسن مبارک خویش را از طرف پایین چهل مرتبه شانه می‌نمود و از طرف بالا هفت مرتبه و می‌فرمود: شانه زدن هوش انسان را

زیاد نموده و بلغم را از بین می‌برد» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ۱۳۵). هم چنین امام صادق^(ع) در تفسیر آیه شریفه «خَذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ^۱» می‌فرمایند: «منظور شانه کردن است، شانه زدن روزی را زیاد می‌کند و مو را زیبا می‌نماید و حاجت‌ها را روا می‌سازد و بر نیروی مردانگی می‌افزاید، بلغم را بر طرف می‌کند» (همان، ۱۳۵). همچنین در حدیث حَسَن از امام موسی کاظم^(ع) منقول است، در تفسیر آیه ذکر شده، «یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر مسجدی، حضرت فرمود که از این زینت است شانه کردن پیش از هر نمازی. و در حدیث دیگر نزد هر نماز واجب و سنتی» (مجلسی، ۱۳۹۰، ۱۵۳-۱۵۲). در روایت دیگری بیان شده است که، هم چنین با شانه مخصوصی به نام «مدری» سر خود را شانه می‌زدند، و محاسن خود را هر روز دو بار شانه و بعد آن را زیر تشک خود می‌گذاشتند (همان).

در دیگر احادیث نیز شانه کردن، سبب دوری از اندوه و بیماری است. همچنین شانه کردن مداوم به عنوان وسیله دور کردن شیطان معرفی شده و در نگاه علم طب نیز به پرهیز از شانه کردن مو در حمام به دلیل کم شدن آن سفارش شده است. در باب آداب شانه کردن نیز در حدیث دیگری به مؤمنان سفارش فرموده‌اند: «شانه را به دست بگیرد در حالی که نشسته باشد، و بر بالای سر بگذارد و پیش سر را شانه کند و بگوید: اَللّٰهُمَّ حَسِّنْ شَعْرِيْ وَ بَشْرِيْ وَ طَيِّبْهُمَا وَ اصْرِفْ عَنِّيْ الْوَبَا پس عقب سر را شانه کند و بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تَرَدَّ نِيْ عَلٰى عَقْبِيْ وَ اصْرِفْ عَنِّيْ كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَ لَا تَمَكِّنْهُ مِنْ قِيَادِيْ فَيَرْتَدِّيْ عَلٰى عَقْبِيْ پس ابروها را شانه کنید بگوید: اَللّٰهُمَّ زَيِّنِيْ بِزِينَةِ الْهَدٰى پس ریش را از طرف بالا به زیر شانه کند، شانه را به سینه بمالد و بگوید اَللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّيْ الْغَمُوْمَ وَ الْهَمُوْمَ وَ وَخْشَةَ الصُّدُوْرِ وَ وَنُوْسَةَ الشَّيْطَانِ پس از پایین ریشه به طرف بالا شانه کند و سوره اِنَّا اَنْزَلْنٰهٗ فِى لَيْلَةِ الْقَدْرِ بخواند» (همان). هم چنین در احادیث معتبر منقول است که در میان جا نماز حضرت امام جعفر صادق^(ع) شانه بود، که هرگاه از نماز فارغ می‌شدند، شانه می‌کردند (همان).

از این رهگذر، نشانه شانه نه تنها در حوزه‌ی آداب اسلامی نمایان شده است، بلکه در کتبی که به مجموعه قواعد فرهنگی - اسلامی پرداخته، نیز مشاهده می‌شود. در تأکید این گفتار، «عن أبي الحسن موسى عليه السلام أنه قال: لا يخلو المؤمن من خمسه: مسواك، و مشط، و سجاده، و سبحة فيها أربع و ثلاثون حبة، و خاتم عقيق. امام هفتم^(ع) می‌فرمایند: مومن همیشه پنج چیز دارد: «مسواک، شانه، سجاده، تسبیح سی و چهار دانه و انگشتر عقیق»^۲ (مشکینی، ۱۳۹۰، ۳۳۱). نشانه‌ای هم چون شانه در کنار نشانه مسواک، بیانگر

^۱ سوره اعراف، آیه ۳۱

^۲ یعنی اینها جز زینت‌های مومن است نه این که کسی نداشته باشد مومن نیست.

آداب نظافت در فرهنگ اسلامی است، اما نکته حائز اهمیت، قرار گرفتن شانه به عنوان یک نشانه عبادی مذهبی است، زیرا که با توجه به نکات پیشین، ائمه نیز سفارش به همراه داشتن آن در مسجد کرده‌اند. لذا مسواک (یک نشانه بهداشت مسلمانان آن چنان که در سنت عربی اسلامی از یک نوع چوب خاص استفاده می‌شده و هم اکنون نیز رواج دارد) از چهار نشانه‌ی دیگر مسلمانان به جهت بازنمایی بصری فرهنگی بر روی قبور حذف می‌گردد.

جنسیت و شانه

در تخت فولاد و با بررسی سنگ قبور ذکر شده، نشانه شانه در کنار دیگر نشانه‌ها حاکی از یک امر مذهبی است. مطالعات بر روی سنگ قبور تخت فولاد نشان می‌دهد که تعداد سنگ قبوری که با نشانه‌های مذهبی تعریف شده‌اند، در بین مردان و زنان تقریباً یکسان اما متفاوت است، بدین صورت که مَهر، و تسبیح از نشانه‌های حک شده بر روی سنگ قبور زنان، و مَهر و تسبیح به همراه انگشتر بیشتر برای مردان به کار می‌رفته است. بیشترین نشانه‌های متعلق به قبور زنان را، گل‌های تزئینی تشکیل می‌دهند. حک شدن نشانه شانه در فرم هلال و یک‌سر، اختصاصاً بر روی سنگ قبر مردان است و تنها یک مورد استثنا دیده شد، که شانه آن هم به صورت دوسر و با دو نوع دندان ریز و درشت و به فرم مستطیل در کنار مهر و تسبیح بر روی یک سنگ قبر زنانه حک شده بود (تصویر ۴). شاید بتوان حضور کمتر این نشانه بر روی سنگ قبور زنان را نوعی تقلیل حریم زنانه به حیطة‌های خصوصی دانست. بر این اساس آنچه در فرهنگ گذشته بیشتر مورد تأکید بوده، نگهداری حجاب درونی خانه بود، که متعلق به زنان است. نقوش حرفه‌ای و مذهبی نشانه‌ای مردانه و اختصاص فضای بیرونی جامعه به مردان را نشان می‌دهد. در تخت فولاد نمونه دیگری از این گونه اعمال جنسیت‌گذاری، نصب یک برآمدگی بر بالای برخی قبور و دو برآمدگی در بالا و پایین برخی دیگر دیده می‌شود. در مصاحبه با حجار تخت فولاد، شیوه استفاده از برآمدگی‌ها، نوعی نشانه‌گذاری برای تشخیص سنگ قبور مردانه از زنانه در فهم سریع تر و آسان تر آن توسط قشر بی سواد جامعه در نظر گرفته شده است.



تصویر ۴: شانه دو سر متعلق به قبر زنانه، شانه یک سر متعلق به قبر مردانه، تخت فولاد اصفهان، ۱۳۹۱، هاجر قربانی

هم‌نشینی نشانه شانه با دیگر نشانه‌های مذهبی و در بستر فرهنگ اسلامی، تأثیر معنایی خود را از یک نظام اعتقادی مسلط بر جامعه با در نظر گرفتن مجموعه قواعد فرهنگی و آدابی آن گرفته است که همان نظام اعتقادی تشیع است. از طرفی، حضور برخی نقوش متعلق به بسترهای فرهنگی دیگر ادیان و مذاهب در کنار نقوش مذهبی حک شده در این قبرستان، کارکرد اصلی خود را از دست داده و تنها جنبه‌ی تزئینی به خود گرفته است.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان اذعان داشت که نظام متنی سنگ قبرهای تخت فولاد در بخش متون نوشتاری مبنایی برای تصویر سازی متون بصری به شمار می‌رود. از سوی دیگر چند تقابل و دوگانه بسیار مهم در نشانه‌های بصری با توجه به قرارگیری نشانه‌های حرفه‌ای، مذهبی بر روی سنگ قبور مردان و نشانه‌های تزئینی بر روی سنگ قبور زنان نظیر تقابل مردانه / زنانه، بیرونی / درونی، عمومی / خصوصی، و مشاغل و حوزه‌های اجتماعی / خانه داری، و امر فرهنگی (مذهبی) / طبیعت، مشاهده می‌شود.

بر اساس این تقابل‌های ساختاری موجود در فرهنگ ایرانی که ممکن است در دیگر فرهنگ‌ها نیز اعمال شود، نشانه‌های حرفه‌ای، مذهبی و اجتماعی حک شده بر روی سنگ قبور این قبرستان بیانگر اهمیت و تأثیرگذاری این تقابل‌های دوگانه بر نظام نشانه‌ای سنگ قبور در این قبرستان است و تمایزهای جنسیتی و فرهنگی پیرامون آن به خوبی در تمایزهای سبک‌های نشانه‌گذاری سنگ قبور خود را نشان داده است. هرچند این تقابل‌های دوگانه، ساختارهای عامی هستند، اما تجلی عینی و ملموس آنها در یک عرصه فرهنگی (مانند قبرستان) مستلزم درک عناصر و ابزارهای فرهنگ آن جامعه است که این ساختارهای دوگانه به واسطه آنها خود را متجلی کرده‌اند.

نتیجه گیری

مرگ، صرفاً به عنوان یک پدیده زیست محیطی مبهم مورد توجه نیست، بلکه هر فرهنگی به شیوه‌ای خاص این پدیده زیستی را معنادار کرده است. موضوع مرگ و آداب آن مورد توجه انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، فیلسوفان، عرفا و دیگر اقشار جوامع بوده است. مرگ در ادیان الهی و غیر الهی نیز همواره مورد توجه بوده و منجر به واکنش‌هایی شده که از آنها به عنوان فرهنگ مرگ یاد می‌شود. آداب و رسوم اجتماعی و باورهای فرهنگی - مذهبی پیرامون مرگ در ایران کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است، که از آن جمله می‌توان به نشانه‌گذاری در قبرستان‌های اسلامی - شیعی اشاره کرد. این نشانه‌ها گاه نه تنها فراتر از معرفی فرد متوفی می‌رود، بلکه به نظام اجتماعی و اعتقادی شخص نیز می‌پردازد. شانه به همراه مهر، تسبیح، و انگشتر از نشانه‌های موجود بر روی قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان، بزرگترین قبرستان اسلامی - شیعی، بعد از وادی السلام در عراق است. در این پژوهش کوشیده شد قبرستان تخت فولاد اصفهان را به عنوان یک مجموعه فرهنگی در نظر گرفته، نظام متنی موجود در سنگ قبور آن را تفکیک و به بررسی نقوش حک شده بر روی سنگ قبور (با تأکید بر نقش شانه) پرداخته شود.

در ابتدا برای فهم معنای نشانه شانه، مشاهده حضوری از قبرستان تخت فولاد اصفهان به جهت عکس برداری از قبور صورت پذیرفت. همچنین نظام متنی قبور به دو بخش نوشتاری و بصری تفکیک گردید. اگرچه مطالعات، حاکی از جدایی این دو متن از یکدیگر است، اما این دو نقش مکمل را در بیان معنا ایفا می‌کنند و به معرفی دیگر نظام‌های حاضر در قبرستان نیز می‌پردازند. در محتوای متون نوشتاری، اشعار و آیات همگی متعهد به نظام اعتقادی اسلامی نظیر باور به ذات احدیت خداوند، آخرین فرستاده او پیامبر اکرم (ص)، ائمه‌ی اطهار، شفاعت و پیروی از آنها و همچنین باور به آخرت و معاد است. به تعبیری، اصول دین در باورهای مردگان این قبرستان مشاهده می‌شود. از سوی دیگر محتوای متون بصری خود نیز در سه بخش نقوش تزئینی برای نشان دادن بهشت و باغ‌های بهشتی و حرفه‌ای به جهت نشان دادن پیشه و معرفی فرد متوفی در یافتن قبور توسط قشر بی سواد جامعه است. همچنین نقوش مذهبی با توجه به حضور اقلیت‌های مذهبی نظیر ارامنه و یهودیان، به جهت تمایزگذاری مسلمان از غیر مسلمان موجود است. از دیگر نمونه‌های تمایزگذاری بر روی سنگ قبور می‌توان به استفاده از یک برآمدگی یا دو برآمدگی بر روی سنگ قبور به جهت یافتن سنگ قبور زنانه از مردانه نام برد. همچنین به استفاده از نشانه‌هایی نظیر حرفه فرد متوفی، شانه‌های یک‌سر در کنار انگشتر متعلق به مردان، و یا

شانه‌های دوسر که در این قبرستان تنها یک نمونه مشاهده شده است و مدلولی زنانه به خود گرفته، اشاره کرد.

اما آنچه در مطالعه این نقوش مورد توجه واقع شد، قرارگیری نشانه‌شانه در کنار دیگر نشانه‌های مذهبی است. در آداب و سنن فرهنگ اسلامی با توجه به روایت سنت‌های ائمه و همچنین مجموعه قواعد مذهبی، شانه به عنوان یک نشانه مذهبی متعلق به مسلمانان معرفی می‌شود. بر این اساس این نشانه با توجه به نظام اعتقادی مسلط بر جامعه به عنوان یک مدلول مذهبی مردانه معرفی می‌شود. با توجه به ساختارهای فرهنگ نیز می‌توان چندین تقابل دوگانه بسیار مهم شامل مردانه/ زنانه، بیرونی/ درونی، عمومی/ خصوصی، مشاغل و حوزه‌های اجتماعی/ خانه داری، و امر فرهنگی (مذهبی)/ طبیعت را در بنیان نظام نشانه‌ای سنگ قبور مشاهده کرد.

با توجه به نتایج به دست آمده، اگر چه شانه در اساطیر معنایی دیگر داشته است، اما با قرارگیری در یک فرهنگ جدید براساس خوانشی نو و منطبق بر آن فرهنگ، معنای گذشته خود را از دست داده و به معنای جدیدی دست می‌یابد. به تعبیری، تغییر معنای نشانه‌ها، محصول تغییرات فرهنگی حاکم بر جامعه است.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۵): *از نشانه های تصویری تا متن*، تهران: مرکز.
- آدامز، لوری (۱۳۹۰): *روش شناسی هنر*، برگردان: علی معصومی، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر.
- الأفریقی المصری، محمد بن مکرم بن منظور (۱۴۱۴): *لسان العرب*، بیروت: دار-صادر.
- پارسا پژه، سپیده (۱۳۸۵): «مرگ، سوگواری و خاکسپاری، مطالعه میان فرهنگی»، گردآورنده: آنتونیوس، سی، جی، ام، رابین، *نامه انسان شناسی*، صص ۱۲۳-۱۱۷.
- تمیزی، مهدی (۱۳۹۲): *در سایه سرو*، تهران: رسم.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۷): *میانی نشانه شناسی*، ترجمه: مهدی پارسا، زیر نظر: فرزانه سجودی، ۱۳۸۷، تهران: سوره مهر.
- حسینی سیستانی، آیت الله العظمی علی (۱۳۸۶): *رساله توضیح المسائل*، تهران: فکر برتر.
- حکمت، زینب (۱۳۸۹): *بررسی تطبیقی عناصر تصویری سنگ مزارهای آرامستان تخت فولاد اصفهان در دوره های صفویه، زند، قاجار و پهلوی با رویکرد جامعه شناختی*، تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷): *لغت نامه دهخدا*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دینه سن، آنه ماری (۱۳۹۰): *درآمدی بر نشانه شناسی*، ترجمه: مظفر قهرمان، تهران: پرسش.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۳): *آفرینش و مرگ در اساطیر*، تهران: اساطیر.
- روح الامینی، محمود (۱۳۷۹): *زمینه فرهنگ شناسی*، تألیفی در انسان شناسی فرهنگ، مردم شناسی، تهران: عطار.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۱): «نشانه و نشانه شناسی، بررسی آرای سوسور، پیرس و اکو»، *زیبا شناخت*، شماره ۶، صص ۸۳-۱۰۰.
- شوالیه، ژان - لگر بران، آلن (۱۳۸۵): *فرهنگ نمادها*، ترجمه: سودابه فضائلی، تهران: جیحون.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳): *مقالات اولین هم اندیشی نشانه شناسی هنر*، تهران: فرهنگستان هنر.
- طباطبایی، علامه سیدمحمدحسین (۱۳۸۵): *سنن النبی (آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام (ص))*، ترجمه: عباس عزیزی، قم: صلاه.
- عقیلی، سید احمد؛ نیلفروشان، محمدرضا (۱۳۸۳): *با ستارگان (راهنمای تخت فولاد اصفهان)*، اصفهان: کانون پژوهش.
- عمرانی، رضا (۱۳۹۲): *حجاری در تخت فولاد*، [مصاحبه: هاجر قربانی]، اردیبهشت ۱۳۹۲.

- فقیه میرزایی، گیلان؛ مخلصی، محمد علی؛ حبیبی، زهرا (۱۳۸۴): تحت فولاد یادمان تاریخی اصفهان، جلد اول، تهران: پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۷): تدفین مردگان در ایران: از دوره باستان تا پایان قاجاریه، با نگاهی به آیین و مراسم مذهبی، تهران: آرون.
- کوپر، جی سی (۱۳۷۹): ترجمه: ملیحه کرباسیان، تهران: فرهاد.
- الکینز، جیمز (۱۳۸۵): «نظریه نشانه‌شناسی پیرس برای تاریخ هنر چه سخنی دارد؟» ترجمه: فرزانه سجودی، ۱۳۸۵، گلستان هنر، شماره ۳، صص ۳۰-۱۸.
- مالرب، میشل (۱۳۹۰): انسان و ادیان: نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی، ترجمه: مهران توکلی، تهران: نی.
- مجلسی، علامه محمدباقر (۱۳۹۰): دفتر دوم آداب زندگی اسلامی حلیه المتقین، قم: نوید اسلام.
- مشکینی، حضرت آیت‌الله‌العظمی (۱۳۹۰): نصایح (سخنان چهارده معصوم^(ع) و هزار و یک سخن)، قم: الهادی.
- معین، محمد (۱۳۸۱): فرهنگ معین دو جلدی، تهران: آدنا.
- معین، محمد (۱۳۸۵): فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر، ۲ جلد.
- میرخلف، سید کمال (۱۳۸۱): جلوه های هنر در تحت فولاد اصفهان، تهران: میراث جاویدان.
- میرعظیمی، نعمت‌اله (۱۳۷۹): اصفهان زادگاه جمال و کمال، اصفهان: گلها.
- نجفی، یوسف (۱۳۹۲): شانه چوبی، [مصاحبه: هاجر قربانی]، ۳۱ فروردین ۱۳۹۲.
- نرسیان، امیلیا (۱۳۹۱): انسان، نشانه، فرهنگ، تهران: افکار.
- نورآقایی، آرش (۱۳۹۲): سنگ قبرها، [مصاحبه: هاجر قربانی]، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۲.
- نیلفروشان، محمد رضا (۱۳۸۸): تربت پاک، معرفی تخت فولاد اصفهان، اصفهان: گلدسته.
- هال، جیمز (۱۳۸۹): فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه: رقیه بهزادی، ۱۳۸۹، تهران: فرهنگ معاصر.
- پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۲): سنگ مزارهای ایران، تهران: مجله هنر و مردم، شماره ۴۰۷، صص ۳۹-۳۱.
- یوهانس ویلم یو هانس ویلم برتنز (۱۳۸۸): نظریه ادبی، برگردان: فرزانه سجودی، نظریه ادبی، تهران: مؤسسه انتشاراتی آهنگ دیگر.

